

هشداري که نادیده گرفته شد!!!

محمود خلیلی

چندی پیش درست دو یا سه روز بعد از زلزله بم طی هشداري با عنوان "وضعیت زنان و کودکان زلزله زده و زلزله زده ایران را دریابید" نسبت به وضعیت زنان و کودکان ایرانی که به صورت کالا قاچاق می شوند ابراز نگرانی کرده و همه مجامع بین المللی و انسان های آزاده را به یاری طلبیده بودم. متأسفانه این هشدار اگر نگوییم واکنشی را به صورت جدی در پی نداشت باید بگویم واکنش نشان داده شده بی تاثیر و یا دیر هنگام بود و این هشدار هم بسان هشدارهائی که کلیه نیروهای آزادی خواه در خصوص شکنجه و جنایات رژیم جمهوری اسلامی ارائه می دهند نادیده گرفته شد.

امروز نزدیک به یک هفته از حراج دختران و پسران ایرانی در "فجیره" (یکی از هفت خواهران امارات متحده عربی) می گذرد. و در پی افشاگری خبرگزاری "سینا" از این برده داری و بازار برده فروشی بعضی از روزنامه های تهران جرات پیدا کرده و در مورد آن قلم فرسائی می کنند. این در حالی است که "حمید رضا آصفی" سخنگوی وزارت امور خارجه آن را تکذیب می کند و وقتی یکی از خبرنگاران بعد از تلاش فراوان با معاونت روابط بین المللی و کاردار ایران در دوی تماس برقرار می کند، مورد شماتت و سرزنش واقع می شود که: **اگر خواهر و مادر آدم خراب از کار در آمد، نباید که آن را در همه جا جار زد!!!** با در نظر گرفتن این مطلب اشاره کوتاهی دارم به روزنامه های چاپ تهران در این خصوص. روزنامه اعتماد طی تیتري نوشت:

سکوت خبری درباره قاچاق و حراج دختران ایرانی در دوی

"خبری مبنی بر برپائی حراجی، عرضه ۵۴ دختر ایرانی در ۱۲۰ کیلومتری دوی در فجیره امارات متحده عربی، در ساعت ۱۸ بعد از ظهر دیروز (چهارشنبه ششم خردادماه ۱۳۸۳ ساعت ۶ بعد از ظهر) به وقت تهران. براساس این خبر، خلبان ایرانی تبار، به نام مصطفی بن یحیی که خود گویا دارای دکترای جرم شناسی بوده و از اعضاء نیروی پلیس امارات، در گفتگویی با خبرگزاری "سینا" با افشای اخباری در خصوص انتقال و فروش دختران ایرانی به کشورهای حاشیه خلیج فارس، خبر از برپائی این شوی جنسی در فجیره داده بود. خبرگزاری "سینا" که یک خبرگزاری نیمه دولتی است می گوید: مطمئن باشید منابع ما مستدل است. نوار داریم، از وزارت امور خارجه نیز ساعتی قبل تماس گرفته بودند و با لحنی تهدیدآمیز ضمن آن که ما را به نشر اکاذیب متهم می کردند، تهدید به شکایت نیز کردند.

روزنامه آفتاب یزد روز شنبه ۹ خرداد در سر مقاله خود می نویسد:

اگر به چشم دل نگاه می کردیم، خبری که هفته گذشته در مورد سرنوشت تعدادی از دختران ایرانی که توسط یکی از خبرگزاری های داخلی مخابره شد و آن خبرگزاری کماکان بر صحت آن تاکید دارد، بسیار تکان دهنده تر از زلزله ای بود که روز جمعه میلیون ها نفر را لرزاند.

مسئولان حکومتی سر خود را در زیر برف کرده و خود را به ندیدن و نشنیدن می زنند و سفارت ایران در ابوظبی تصریح می کند: **تاکنون هیچ قرائن و مستنداتی در این خصوص به سفارت جمهوری اسلامی ایران نرسیده است.** و با بی اطلاع نشان دادن سفارت خانه طوری

عمل نموده که اگر روزی روزگاری بنا شد این سفارتخانه جواب‌گوی این حادثه باشد، بتواند اعلام کند که ما نگفتم نیست، ما گفتیم هنوز مستنداتی به دست ما نرسیده!!!

و در کنار این اظهار نظرات، سخنان دُرُفشان و گهربار نماینده ازنا و درود و عضو کمیسیون اجتماعی مجلس خواندنیست که می‌گوید: باورم نمی‌شود فقط می‌توانم بگویم این خبر می‌تواند باعث جریحه‌دار شدن غرور ملی هر ایرانی شود، "لطفاً دیگر ماجرا را بیش از این برایم شرح ندهید!!! این یک فاجعه است در مورد آن چه بگویم؟ عجب انسان رئوف و نازک‌دلی! ایشان بعد از یک عمر مشارکت در این جنایات حالا حتی تحمل شنیدن این ارمغان جدید جمهوری اسلامی به زنان و دختران ایرانی را ندارند!!!

این در حالی است که تک تک این مزدوران در به وجود آمدن این فاجعه دخیل و شریک و صاحب منافع هستند. در غیر این صورت، فردی که ۱۵ دختر و زن را به دویی قاچاق کرده بود، تنها به سه سال زندان محکوم می‌گردد ولی یک عنصر سیاسی که حتی تشکیلاتی و گروهی هم نباشد (تنها مخالفت سیاسی با نظام داشته باشد) به مدت نامعلومی به زندان و تحمل شکنجه-های فراوان روبرو می‌شود.

این فاجعه تنها گوشه‌ای از واقعیات نظام سرمایه‌داری حاکم بر ایران است، چرا که قبل از این و هم اکنون نیز زنان و کودکان بی‌پناه ایرانی را نه تنها به شیخ‌نشین‌های خلیج فارس بلکه به افغانستان هم ارسال می‌دارند که می‌توان به کشته شدن چند زن ایرانی در روزهای اخیر در خیابان‌های کابل اشاره نمود.

شدت فقر و فشار سرمایه‌داران حاکم در ایران به حدی است که عده‌ای حاضر می‌شوند که در قبال انتقال خود به یکی از کشورهای خارجی عضوی از اعضاء بدن خود مثل کلیه و... را نیز بدهند و بر اساس آمار رسمی دولتی قاچاقچیان زنان و کودکان آن‌ها را در ابتدا در اختیار متجاوزین عرب قرار می‌دهند که بر اساس گفته خود روزنامه‌های رژیم تا هزار بار در هفته مورد تجاوز واقع می‌گردند. این دختران و زنان جوان در ابتدا در قبال ۲ تا ۳ هزار دلار فروخته می‌شوند که پس از مدتی نرخ آن‌ها به ۵ تا ده دلار می‌رسد. و بر اساس گفته خود این اشخاص تنها ده درصد از فروش و در آمد آن‌ها سهم خودشان می‌گردد و الباقی در اختیار برده‌فروشان قرار می‌گیرد. در این حال مشاور رئیس جمهوری در امور زنان زهرا شجاعی می‌گوید تا آنجا که اطلاع دارم ما هنوز نتوانسته‌ایم به کنوانسیون بین‌المللی منع قاچاق انسان ملحق شویم!!!

دلیل این امر مشخص است، چون تمامی این صادرات پر درآمد (بر اساس برآوردهای دولتی بعد از صادرات نفت، فروش زنان و دختران و یا اعضاء بدن آن‌ها سودآورترین منبع در آمدی است) زیر نظر سران رژیم جمهوری اسلامی صورت می‌پذیرد و به طور مشخص ۲ شرکت بزرگ صادراتی در این امر نقش به‌سزائی دارند که یکی از آن‌ها درست در طبقه دوم ساختمانی قرار دارد که شرکت ملی کشتی‌رانی ایران در آن واقع است. و دیگری در خیابان انقلاب بعد از پل حافظ قرار دارد.

روزنامه شرق:

"در صفحه اول روز سه‌شنبه ۱۲ خرداد ماه ۸۳ خود می‌نویسد: سید محمد خاتمی در نامه خود به علی یونسی (وزیر اطلاعات) می‌نویسد خبر حراج دختران و پسران ایرانی را در صورت واقعیت خبری تکان دهنده و در عین حال دور از ذهن خواننده اما با این دستور وزارت اطلاعات را مسئول شناسائی دقیق و برخورد قاطع با دست‌اندرکاران خروج و حراج دختران و پسران ایرانی در اسرع وقت کرده است."

درست به سبک و سیاقی که برای پرونده قتل‌های زنجیره‌ای هیئت تحقیق درست کردند تا اذهان نگران مردم را منحرف سازند، باز هم دست به این اقدام زده‌اند تا شاید مرور زمان باعث لوٹ شدن این مسئله گردد. چون اگر موضوع رسیدگی و صحت این حادثه مد نظر خاتمی و رژیم جمهوری اسلامی بود، سری به قاضی سعید مرتضوی دادستان عمومی و انقلاب تهران می‌زد که روز قبل (دوشنبه) در گفتگویی با خبرنگاران خبر از شناسائی و دستگیری سه باند قاچاق دختران به کشورهای حاشیه خلیج فارس را داده بود.

و باز جالبترین خبری که شاید از رئیس جمهور هم پنهان مانده باشد، خبری است که روزنامه شرق در همان صفحه در خصوص جلسه هیئت دولت می‌دهد. نتیجه مذاکرات حاضران در جلسه هیئت دولت منجر به تصویب در دستور کار قرار

گرفتن پدیده حراج دختران و پسران ایرانی در فجیره در کمیسیون فرهنگی - اجتماعی دولت شد. احتمالاً در زمان بررسی جناب رئیس جمهور در مطبخ بوده‌اند.

در سرمقاله روز سه‌شنبه روزنامه شرق به قلم سحر نمازی خواه می‌خوانیم: دیروز نخبه‌ای با فروش مغز خود با مهاجرت به کشورهای طالب توسعه علمی، امروز کارگر پرتوانی با فروش نیروی کار خود به کشورهای طالب نیروی کار و فردا دختران و پسرانی با فروش جسم و روان خود به کشورهای دریافت‌کننده بردگان جنسی، وطن را ترک می‌کنند. در اینجا بار دیگر با تاکید بر این امر که تنها با سرنگونی سرمایه‌داران حاکم بر ایران می‌توان جلوی این جنایات علیه بشریت را گرفت، از تمامی سازمان‌ها و نهادهای بشردوست و تمامی نیروهای انقلابی می‌خواهم که با یک بسیج همگانی علیه این صادرات ضدبشری بپا خیزند و در یک فراخوان مشترک به افشای تمامی جنایات رژیم جمهوری اسلامی به ویژه افشای ارگان‌ها و نهادهای دست‌اندرکار جنایت اخیر اقدام نمایند.

سه شنبه دوازدهم خردادماه ۱۳۸۳

اول ژوئن ۲۰۰۴

Dialog

Postamt 1/ Postlagernd
04109 Leipzig / Germany

گفتگوهای زندان ویژه اینترنت

Email: dialogt@web.de
Internet: <http://www.dialogt.net>